

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

چهارشنبه ۲۳ سپتمبر ۲۰۲۰

ملالی موسی نظام

روز بین المللی صلح و آوازه صلح در افغانستان



تقدیر و استقبال سالانه از روز بین المللی صلح در جهان به مناسبت قوت بخشیدن به مفکوره صلح و امنیت در سرتا سر عالم و ملل مختلفه می باشد. در ممالکی مانند کشور جنگ زده ما افغانستان که جنگ و دشمنی بعد از دهه ها بیداد میکند، اینکه برای رسید به صلح قدمی برداریم، بیجا نخواهد بود، بشرط اینکه این صلحی که اگر نصیب مردم مظلوم مملکت ما گردد، پایه دار بوده و به نفع همه ملت بوده و جامعه را بسوی پیشرفت، ارتقاء و امنیت رهنمون گردد.

در سال 1981 اسامبله عمومی ملل متحد فیصله نمود که مردم جهان روز سه شنبه سوم ماه سپتمبر را منحیث « روز بین المللی صلح» به رسمیت بشناسند تا نه تنها ممالک مختلفه ازین روز با علاقمندی و اعتقاد استقبال نمایند، بلکه این روز همچنان که روز افتتاح مجلس عمومی سالانه سازمان مذکور هم میباشد. بعد از دو دهه در سال 2001 تصمیم دیگری اتخاذ گردید که روز بین المللی صلح را 21 سپتمبر تعیین نمود.

در افغانستان جنگ زده که در سال 2008 میلادی حامد کرزی با وعده های فریبنده صلح و باز سازی و ایجاد زیربنای مستحکم اقتصادی حکمروایی مینمود، از اثرات بازگشت جنگ و خون ریزی که با حملات گروه های طالبان و دیگر مخالفین مسلح دولت که روز افزون بودند، هنوز مردم مانند امروز امید و باور های خویش را کاملاً از دست نداده بودند، این قلم در چنین روزی مضمونی تحت عنوان «صلح در افغانستان، رویایی در دوردست» بر اوضاع آن وقت تحریر داشتم که مختصری از سطور آنرا بیان میدارم:

" امروز، ۲۱ سپتمبر به مناسبت «روز جهانی صلح» سرمنشی ملل متحد به خاطر حقوق بشر، فقر و تامین صلح، از همه ممالک جهان درخواست آتش بس و بزرگ داشت این روز مهم را نموده است. چنین درخواستی هم در افغانستان جنگ زده ویران از تمام گروه های متخاصم توسط ملل متحد و حکومت کرزی صورت گرفته است.

اینکه صرف یکروز از استعمال اسلحه در پهنای مملکت جلوگیری به عمل بیاید «اگر بیاید»، هیچ تاثیر عملی ای در مقدرات مردم ما که هر لحظه حیات از ترس بمباردمان های بی خبر و پرتاب راکت، انفجار مین و عملیه انتحاری برخوردارند، نخواهد داشت؛ ولی همینکه از صلح و امنیت در شرائطی که برای مردم ما دیگر همه امید واری ها مسدود گردیده است، سخنی به میان می آید، شاید روزنه ای باشد در تاریکی های عمیق حیات پر از بیم و بی اعتمادی آنها.

یکی از دلائلی که مردم افغانستان و جهان را در ناامیدی به رسیدن صلح و باز سازی در مملکت ما متقاعد میسازد، در پهلوی فساد اداری دستگاه دولت کرزی که چون موربانه ای ارزش های قانونی و اجتماعی جامعه افغان را نابود می سازد، همانا انحراف روحیه مؤسسات کمک دهنده جهانی از مجرای اصل باز سازی و عمران و طرز العمل کاملاً متفاوت عساکر ناتو در افغانستان است که وظیفه اصلی و جهانی آنها بوجود آوردن «صلح و بازسازی» در ممالک جنگ زده و به عباره دیگر Post Conflict میباشد.

همانطوریکه بیان گردید عساکر ناتو که هفت سال قبل با خوش بینی جامعه جهانی و استقبال مردم محرومیت کشیده افغانستان از ۲۲ سال جنگ و بربادی بنیادی و کشتار ظالمانه بیشتر از دو میلیون و بیست و پنج هزار مردم بی دفاع مملکت برای ساختن يك افغانستان آباد، مستقل و عاری از فساد اداری به افغانستان آمده بودند، امروز در سرزمین ما پهلو به پهلو عساکر امریکایی در نقاط مختلفه کاملاً به جنگ و جدال اشتغال دارند.

درین جای شکی نیست که با سرمایه گذاری و پلان های ستراتیژیک طویل المدت امریکا در منطقه و موقف جیو پولیتیک افغانستان، با موجودیت ممالک نو به آزادی رسیده آسیای مرکزی و ذ خائر سرشار نفتی آنان، دیگر کنترل افغانستان از قدرت حکومت و تشکیلات آنها بیرون گردیده است، مخصوصاً که حمایه امریکا از جنگ سالاران و جنایتکاران جنگی سه دهه اخیر و نصب آنان به مقامات مهم، رول حکومت مرکزی را در اجرای تصامیم علی الرغم موجودیت دو قوه دیگر در دولت افغانستان، روز بروز ضعیفتر و کمرنگ تر ساخته می‌رود. نتیجه چنین می‌گردد که فشاری که امریکا بر عساکر ناتو وارد مینماید، آنانرا بیشتر به سمت جنگ با طالبان و به اصطلاح اولیای امور افغانستان، با اشرار و ناراضیان از حکومت کرزی، میکشاند تا تأمین صلح و رفاه عامه.

آمران ناتو در افغانستان که مورد ملامتی و سرزنش ممالک عضو قرار گرفته اند، چنین ادعا دارند که تغییر جهت فعالیت های بشری و صلح آمیز آنان، نتیجه سیاستی است که گویا توسط جارج بوش از واشنگتن و کرزی از کابل بر آنان تحمیل می‌گردد".

این بود شمه ای از جریان اوضاع اجتماعی و عدم وجود صلح و چور و چپاول دارایی های عامه و پول های سرشاری که برای ته بنای اقتصادی و اعمار مجدد، منجمله خلق کار و کسب و تولید و بالا بردن سطح استخدام در یک شرائط صلح و سلم در کشور ما. حال بعد از سپری شدن 12 سال دیگری که همان فساد اجتماعی به اوج خود رسید و تا حد افراط کمک های خارجی و سرمایه ملی تاراج اقلیت های به قدرت رسیده که همانا جنگ سالاران و جانیان جنگ های خون آلود پایتخت و گروه و دسته آنان باشند، گردیده و مملکت در حال اسف باری قرار گرفت.

شکی نیست که قشر عامه، چه آنانی که در هر شرائطی در وطن بسر بردند و چه آن هموطنانی که از خارج برگشتند، سرمایه و قوای کار خویش را برای آبادانی زراعت و صنایع گماشتند. ولی عفریت جنگ، ویرانی و کشتار طبقه از انصاف و مروت بیخبر طالب مسلح با سلاح مخرب و گوناگون راکت و بم نه تنها بر عسکر جوان و پلیس ملی بیگناه که سر به کف و وظیفه در خدمت اجتماع خویش هستند، ترحمی روا نمیدارند، بلکه بر غیر نظامیان و اطفال، در سر تاسر کشور هم قسی القلب و بیرحم هستند. در نتیجه افغانستان هرگز روی آسایش و امن اجتماعی را ندید و مردم مظلوم آن امید یک فردای با صلح و صفا را از خاطر زدود.

با آنچه حکومت امریکا و سیاست خارجی همیشه ناکام آن ایجاب مینماید، در مقابل شکستی که بعد از 19 سال درین منطقه عالم و مصرف بلیون ها متقبل گردید، بالاخره با طالبان که آنان را در لست سیاه جنایت و تروریزم تاپه زده بود، کنار آمد. ولی درین معامله غیر قابل باوری که با وعده

های صدور دیموکراسی و ایجاد شرایط آن برای مردم افغانستان، کاملاً در نقیض واقع گردیده است، علنی و حتی سری گام هایی بر خلاف آرزو و خواسته اکثریت مردم افغانستان برداشته میشود.

البته ملت افغانستان که حال نسل دوم جنگ دیده آن و جوانان امیدوار و حاضر به خدمت آن هم مطرح هستند، همه تشنه صلح و امنیت پایدار میباشند و آرزومند آسایشی اند که بدبختانه اکثراً تجربه ننموده اند؛ ولی با فشاری که امریکا بر قبول و تحمیل جمعیت طالب و احیاناً شرایط آنان در همکاری و موقف فعال در دولت آینده وارد می کند، ملت افغانستان را در یک حالت نا امیدی، واهمه و عدم اعتبار بر یک آینده روشن قرار داده است.

در حقیقت مشیت بسته موافقت های اجباری و مصلحتی ای که در «جلسات دوحه» فی مابین نمایندگان دولت افغانستان و هیئت طالبان صورت خواهد گرفت که غالباً اکثر مواد آن چون رهایی 5000 مجرم و جنایتکاران حرفوی طالب، به اجبار بر گماشتگان دولت افغانستان تحمیل میگردد، دقیقاً یک سرنوشت جدیدی را بر اجتماع نالان و نا امید افغانستان و مردم نهایت مظلوم آن رقم زده و پی ریزی خواهد نمود. البته سرنوشت و مقدرات زن مظلوم افغان که در هر مرحله ای سنگ زیرین آسیا بوده است، دقیقاً پریشانی و اضطراب زیادی را خلق نموده است که مبادا حضور فعال طالبان افراط گرا، دست آورد های 19 سال اخیر آنها را بر باد داده و حقوقی که در لابلای و اراق قانون اساسی افغانستان نقش بسته است برباد فنا گردد.

آن صلح پایداری که نزدیک به نیم قرن از سرزمین جنگ زده و حیات مصیبت بار مردم افغانستان رخت بر بسته است، امروز کشتی شکسته ای را ماند که رسیدنش به ساحل امنی، دور از امیدواری باشد. به گفته حضرت حافظ:

شب تاریک و بیم موج و گردابی چنین هایل کجا دانند حال ما سبکباران ساحل ها

پایان